

شعبات گذشته خوبست تجدیدشعباتهم جزودستور شور  
رئیس - روز چهارم دهم میزان خیلی نزدیک  
است اگر آقایان مخالف نباشند در همان روز که  
تعیین هیئت رئیسه میشود شعبات هم تعیین شود  
**اعزاز السلطنه** - چون در نظامنامه سه ماهه به  
سه ماه معین شده باین واسطه عرض کردم.

**حاج شیخ اسدالله** - البته خاطر آقایان  
نمایندگان بخوبی مستحضر است که امر نان تهران  
یکی از مسائل مهمه است که هر زمان در این باب  
يك اندك غفلت و مسامحه میشده است يك اشکالات  
برای دولت تولید شده است که دولت با خسارات  
فوق العاده هم موفق با اصلاح امر نان نشده است در  
این موقع سال که موقع فراوانی جنس و وسائل حمل  
و نقل بخوبی فراهم است مشاهده میشود که امر نان  
تهران خیلی سخت است یعنی شنیده ام که بعضی از  
دکان بسته شده و بعضی از دکانها هم که باز است  
نان خیلی کم و آنهم در نهایت بدی است با این که  
قوت غالب ضعفا و فقرا نان است و باید دولت خیلی  
اهمیت باین مسئله بدهد بلکه از وظایف حتمیه دولت  
است که همیشه برای این امر مهم پیش بینی بنماید که  
دچار محظورات نشود بنده چندی قبل در این خصوص  
يك سؤالی از وزارت داخله کرده ام و هنوز برای  
جواب حاضر نشده اند و روز بروز امر نان دارد  
بدتر میشود و اگر باین منوال بگذرد بنده تصور  
میکنم در زمستان کار نان طهران خیلی سخت خواهد  
شد بنده مأمور دولت را تنقید نمیکنم ولی تصور میکنم  
یک قدری از غفلت حکومت شهر باشد در هر صورت  
راجع بهر کسی هست از مقام ریاست تمنی میکنم  
در این باب بوزارت داخله تاکید شود که یک قدری  
بیشتر در امر نان توجه بفرمایند که فقرا از این  
فشار و تنگی نان نگران نباشند یعنی برای زمستان  
که وسائل حمل و نقل فراهم نیست پیش بینی بکنند  
يك جنسی فراهم بنمایند

**وزیر مالیه** - چون بنده مسبوق از بعضی  
اقدامات هیئت دولت (مخصوصاً وزارت داخله) در  
امر نان هستم جواب فرمایشات آقای حاج شیخ اسدالله  
را عرض میکنم اینکه بفرمایند از پیش در امر نان  
غفلت شده است بنده تصدیق میکنم ولی متأسفانه  
آن موقعی که پیش بینی بوده است هیئت دولتی  
نوده و موقع بحران بوده است ولی از فتنه دولت  
شروع بکار کرده است مسئله نان را جدا در نظر  
گرفته و برای اینکه مسئله نان طهران حتی المقدور  
بسختی نکشد بعضی اقدامات کرده اند البته آقایان  
مسبوقند که جنس یک قسمت مهم از بلوکات اطراف تهران  
را آفت زده است و دولت باید برای تهیه جنس  
اقداماتی بکند و از نقاط اطراف از قبیل ساوه و هراز و  
زرنند و جاهای دیگر جنس وارد کند (اگر چه  
بعضی از آن نقاط را هم آفت زده است) مقصود بنده  
این است که دولت هر اقدامی باید بکند کرده  
است و باز هم تمقید خواهد کرد و امیدواری هست که  
اقدامات دولت مؤثر واقع شود

**رئیس** - آقای سردار سهند راجع به امر نان  
فرمایشی دارید؟

**سردار سهند** - خیر  
**وزیر مالیه** - اجازه میفرمایید این را عرض  
کنم که چون آقای حاج شیخ اسدالله در ضمن  
مذاکرات خودشان فرمودند شاید از غفلت حکومت

تهران باشد بنده شهادت دادم که حاکم طهرانهم  
از وظایف خودش غفلت نکرده است مخصوصاً در  
این اواخر چند دفعه باینده ملاقات کرده است و بنده  
خوب حس کرده ام که ایشان در امر نان اهتمام  
کاملی دارند و بنده هم با ایشان کمک کرده ام و البته  
باز هم خواهم کرد

**مؤید الاسلام** - راجع با انتخابات بم و ناظم  
النجار تقریباً در پنج ماه قبل مجلس رای داد که  
کمیسیون اصلاح نظامنامه داخلی بآن کار رسیدگی  
کند و رایورت بدهد و اگر ممکن است بفرمائید کمیسیون  
در این باب چه اقدام کرده

**سردار سهند** - بنده میخواستم عرض کنم  
که در باب سؤالی که ده روز قبل از وزارت خارجه  
در خصوص مذاکرات معاون وزارت عدلیه راجع به  
ممتاز السلطنه کرده بودم میخواستم بیرسم جوابی  
آمده است یا خیر؟

**رئیس** - یکی سؤال جنابعالی بود و یکی هم  
سؤال آقای منشی السلطان راجع به همین مسئله  
ابلاغ شده است ولی هنوز جوابی نرسیده است باز  
هم تاکید می شود جواب آقای مؤید الاسلام را هم  
آقای مخبر باید بدهند آقای سلیمان میرزا فرمایشی  
دارد؟

**سلیمان میرزا** - بلی

**رئیس** - اگر این مسئله را در جلسه آتیه  
بفرمائید بهتر است چون عده کافی نیست جلسه بعد که  
آقایان تشریف دارند بهتر خواهد بود

**سردار معظم** - بنده هم بطور خصوصی آقای  
مؤید الاسلام را مسبوق خواهم کرد  
(مجلس یک ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد)

**جلسه ۶۸**

**صورت مشروح مجلس روز چهارشنبه  
۱۸ ذی قعدة ۱۳۲۳**

مجلس دو ساعت قبل از غروب در تحت ریاست  
آقای مؤتمن الملک تشکیل و صورت مجلس روز ۱۴  
قرائت شد.

غائبین بدون اجازه - آقایان سلطان العلماء  
حاج شیخ محمد حسین - یزدی حاج بهذب الدوله - آقا  
شیخ رضای دهخوارقانی

غائب با اجازه - آقای سردار سهند

**رئیس** - آقای صدر الممالک مریض بودند  
و بایشان اجازه داده شده بود اشتهاً بدین اجازه  
نوشته اند دیگر غیر از این ایرادی راجع بصورت مجلس  
هست یا خیر (اظهاری نشد) صورت مجلس تصویب  
شد دستور امروز اولاً بقیه شور ثانی در قانون  
دخانیات ثانیاً بقیه شور اول در لایحه قانون  
تبدیل مالیات الخالصجات انتقالی بمالیات اربابی ثالثاً  
انتخاب اعضاء کمیسیون که چند روز قبل رای دادید  
برای تأکید در تهیه بودجه ها ولی قبلاً چون آقای  
سلیمان میرزا در جلسه گذشته راجع بقانون مجازات  
اظهاری داشتند و وقت نشد بنشاند امروز اظهارات  
خودشانرا بفرمایند اگر مقتضی است حالا بفرمائید  
اولاً بماند بآخر جلسه

**سلیمان میرزا** - اگر اجازه میفرمائید

عرض کنم.

**رئیس** - بفرمائید.

**سلیمان میرزا** - در مسئله قانون مجازات  
لازم نیست که بنده در لزوم و اهمیت آن داخل شوم  
بنظر بنده اگر در این دوره سوم مجلس ما بدو  
چیز موفق شویم گویا حق خودمان را اداء کرده  
باشیم یکی تهیه بودجه و معین کردن جمع و خرج  
مملکت یکی دیگر قانون مجازات اگر این دو اصل  
را ما در این دوره موفق شویم و بتوانیم انجام  
بدهیم گویا موکلین ما از ما راضی باشند و بوظیفه  
خودمان تا يك اندازه عمل کرده باشیم سایر چیزها  
را بنده فرع بر این دو اصل میدانم و بیش از این  
نمی خواهم داخل در اهمیت قانون مجازات شوم و  
بطور خلاصه عرض میکنم که اگر در این مملکت  
مردم باید از امنیت یا از هر چه که فرض می کنیم  
بهره مند و راحت باشند یا اینکه ما بتوانیم آزادانه  
اینجا حرف بزیم باید زودتر قانون مجازات را  
بگذرانیم تا هر کس بداند اگر خلافی کرد مجازاتی  
برای او هست والا با این ترتیب حاضر که می بینیم  
هر کس هر خلافی می کند تکلیفش معلوم نمی شود  
یا اشخاصیکه مال دولت را حیف و میل میکنند چون  
بهیچوجه قانون مجازاتی در پیش نیست همینطور  
میگذرد و معلوم نیست بعد از آنکه محقق شد چه  
مجازات باو داده میشود یا سایر اجعافات و تعذباتی  
که از مأمورین دولت یا اشخاص عادی بروز میکنند  
چون قانون مجازاتی در کار نیست مطمئن هستند که  
هر کاری بکنند يك مجازاتی در مقابل نیست آنقدرها  
اهمیت بصحت عمل نمیدهند باین وصف متأسفانه بنده  
میینم که مدتها است این قانون مجازات در کمیسیون  
عدلیه مانده است و با اینکه برای تسریع او تصویب  
شده که همینقدر که این قانون از کمیسیون گذشت بموقع  
عمل بیاید معدالك كله هنوز يك قسمت از قانون  
مجازات فرضاً قسمت خلاف آنهم تمام نشده است و  
هنوز چهار پنجماده از آنهم نگذشته و آنچه بنده  
از خارج اطلاع دارم هنوز در کلیات این قانون  
صحبت میکنند و با این ترتیب گمان میکنم بالمره وقت  
بگذرد و دوره مجلس تمام شود و قانون مجازات  
بهیچوجه تمام نشود و بمورد عمل نیاید این است  
که میخواستم از آقای رئیس استعفا کنم که تأکیدی  
بفرمایند و همین طور از آقایان اعضاء کمیسیون  
استعفا میکنم که اهمیتی بقانون مجازات بدهند و  
جلسات خودشان را هر چه قدر میتوانند زودتر و  
متوالیاً تشکیل بدهند شاید باین مقصود نائل شده و  
باین خدمت بزرگ موفق شوند.

**مدرس** - مکرر در اغلب هفتهها از قانون

مجازات اسم برده می شود و چون بدبختانه بنده یکی  
از کسانی هستم که در کمیسیون عدلیه هستم  
میخواستم عرض کنم که تجربیات بما نشان داده که  
قانون نویسی کار بسیار آسانی نیست بواسطه اینکه  
در دوره سابق کمیسیون عدلیه زحمانی کشیدند و با  
اقدامات آقای مشیر الدوله (که انصافاً باید اهل این  
مملکت قدر ایشان را بدانند و خیلی کم نظیرند) و  
بعضی آقایان هم تشریف داشتند و قانونی نوشتند  
افسوس بعد از آنکه این قانون بمورد اجراء رفت  
خوب بمحل اجراء گذاشته نشد چه قدر زحمت بمردم  
وارد شد و چه قدر گفتگوها و اشکالات تولید شد  
لهذا این تجربیات بما نشان داد که باید خیلی در  
قانون دقت بکنیم ملاحظه بفرمائید يك ماده یاد داده

یاسه ماده که بمجلس می آید چند جلسه در آن مذاکره میشود قانون مجازات آنچه متعلق بمجازات غیرمالی است فعلاً بر آورده شده است هزار و پانصد ماده است اگر مجازات مالی هم بر آن اضافه شود شاید هزار ماده علاوه شود و دوهزار و پانصد ماده شود در این قانون باید خیلی امان نظر کرد و گمان این است که کمیسیون هفته سه روز منقذ شده و کار هم کرده است باینکه گاهی از اوقات بعضی مواقع از برای اجراء پیدا می شد و حاضر نمیشدند ولی باز اگر ملاحظه بفرمائید چندان کوتاهی نشده است نوشتن يك قانون باین بزرگی و عظمت با ملاحظه مقتضیات مملکت که بلکه انشاءالله تعالی در مقام اجرا هم اشکالاتی پیدا نشود ( اگر چه بنده هیچ از این اشکالات و تهاجمات که وارد میشود ملاحظه ندارم) ولی باید ملاحظه کرد يك قانون که از مجلس خارج میشود یا از کمیسیون که بتصویب مجلس قانونی می آویسد میگذرد باید خوب اجراء شود که يك لطمه بمجلس شورای ملی وارد نیاید لهذا باید خیلی مراعات کرد که قانونیکه از مجلس خارج میشود خوب تلقی و قبول شود پس میخواهم عرض کنم که بهیچوجه کوتاهی نشده است و امیدواری هست که موفق بشوند بلکه تا چند روز یا يك ماه دیگر نظر در کلیات تمام شود و بعد از آنکه نظرشان در کلیات يك جایی رسید آن وقت تطبیق کلیات بر صورتیاتی خیلی سهل است و ( ۷۵۰ ) ماده هم مسوده شده است ولی عمده نظر بفرستد و کلیات است لهذا آقایانرا بشارت میدهم که اگر خداوند عالم توفیقی بدهد و آقایان اعضاء کمیسیون هم اغلب روزها را تب نکنند ( یعنی ماهی یکدفعه در دقه) امیدواریم که انشاءالله الرحمن موفق شویم دیگر با خداست انشاءالله کوتاهی نخواهیم کرد.

**رئیس** - اظهارات آقای مدرس البته خیلی صحیح است هر قانونیکه نوشته میشود باید با ملاحظه اطراف و جوانب کار و از روی تامل باشد ولی این را هم برای اطلاع آقایان عرض می کنم که کمیسیون عدلیه تا حالا باید تقریباً چهار جلسه داشته باشد و چند روز قبل که از کمیسیون عدلیه به بنده راپورت دادند راپورتش این بود که در فلسفه قانون صحبت میشود فلسفه قانون جزء کلیات قانون محسوب نمیشود قانون راجع بمطلب دیگرست و بعقیده بنده اگر هم داخل کلیات بشوند کلیات سه چهار ماه طول نمیکشد زیرا اگر در کلیات چهار ماه مذاکره شود در خود ماده بیش از چهار سال باید مذاکره شود دیگر آنکه میخواستم به آقایان عرض کنم بمجرد اینکه رئیس یا نایب رئیس کمیسیون حاضر نمیشود اعضاء کمیسیون متفرق میشوند در نظامنامه همچو قیدی نشده است که حتماً باید رئیس کمیسیون باشد تا کمیسیون منقذ شود همین قدر که اکثریت اعضاء حاضر شده میبایست کمیسیون مشغول کار خود بشود عرض کردم کمیسیون عدلیه میبایست تا بحال چهل و پنج یا پنجاه جلسه داشته باشد و گویا ده یا نوزده جلسه بیشتر نشده است علتش هم این بوده که بعضی اوقات رئیس یا نایب رئیس یا مخبر کمیسیون حاضر نبوده اند و کمیسیون منقذ نشده امیدوار هستم بنده ما که دیگر هوا بهتر است و آقایان میتوانند حاضر شوند جلساتشان مرتباً منقذ شود و هر چه زودتر این قانون تمام شود -

راجع بدلیات دخانیات در جلسه اخیر چند پیشنهاد شده بود بکمیسیون روع شد که کمیسیون راپورتی داده است ولی غفلت کرده اند که طبع و توزیع کنند اگر آقایان موافق باشند بهمان قرائت راپورت کمیسیون اکتفا شود .

( راپورت مزبور بمضمون ذیل قرائت شد )

چند فقره پیشنهاد بعضی از آقایان نمایندگان محترم راجع بقانون دخانیات و کمیسیون قوانین مالیه با حضور آقای وزیر مالیه مطرح شور گردید نظر باینکه کمیسیون اساساً مقتداست که مالیات دخانیات مستقیماً از زارع اخذ نشود پیشنهاد ذیل را با اکثریت آراء تصویب نموده .

ماده ۶ - مالیات دخانیات مذکور در این قانون مستقیماً از زارع اخذ نخواهد جزئیات اخذ این مالیات منوط به تهیه نظامنامه است که در ماده پنجم این قانون ذکر شده است در خصوص پیشنهاد آقای مدرس نظر باینکه جرح و تعدیل و تخفیف در مالیات از وظائف خاصه مجلس شورای ملی است کمیسیون نتوانست چنین حقی را بدولت بدهد .

**رئیس** - ماده مجدداً قرائت میشود و رای میگیریم .

( مجدداً ماده ششم قرائت شد )

**رئیس** - در این ماده مغالطی هست .

**حاج شیخ محمد حسن گروسسی** - توضیح بدهند .

**رئیس** - توضیح بفرمائید تا توضیح بدهند

**حاج شیخ محمد حسن** - اینکه نوشته است مستقیماً از ازاو اخذ نمیشود و توضیح بدهند مقصود چه چیز است از اوست مستقیماً اخذ نمیشود یعنی بطریق غیر مستقیم از ازاو اخذ میشود ؟ باینکه از ازاو اخذ نمیشود از کی اخذ میشود مقصود این است که تعیین طرف بشود آن کسیکه میبایست در دادن مالیات طرف باشد کیست ؟ از ازاو اخذ نمیشود آن دیگری را که از ازاو اخذ میشود باید معین کرد .

**حاج عزالممالک** - عمده نظری که اغلب آقایان نمایندگان داشتند این بود که وضع این مالیات طوری نشود که باعث شود سکنه بزراعت وارد شود و اخذ این مالیات طوری باشد که بزراع تحمیل شود اگر چه در مذاکراتیکه شد قبلاً این مسئله تصریح شد که نمیبایستی از زارع گرفته شود ولی برای اینکه در قانون تصریح شده باشد و دیگر ایرادی پیش نیاید و مأمورین دولت هم نتوانند از زارع درس زراعت این مالیات را بگیرند این ماده تصریح شد اما اینکه نوشته شده است مستقیماً و آقا فرمودند بطور غیر مستقیم ممکن است اخذ شود البته رعیت یا مالک هر کسی که استعمال میکند و توتون را مصرف میکند این مالیات بطور غیر مستقیم از ازاو اخذ میشود . میخواهم رعیت باشد یا تاجر هر که میخواهد باشد ولی مستقیماً از زارع اخذ نخواهد شد هر کس مصرف میکند بطور غیر مستقیم این مالیات را خواهد داد .

**رئیس** - رای میگیریم ماده ششم به ترتیبی که قرائت شد آقایانی که این ماده را تصویب میکنند قیام نمایند .

( عده کثیری قیام نمودند )

**رئیس** - تصویب شد . آقای حاج شیخ حبیب الله دوقفره پیشنهاد کرده بودند کمیسیون رد کرده است

با وجود این میفرمائید قرائت کنیم **رای بگیریم . حاج شیخ حبیب الله** - اگر رای بگیریم عیبی ندارد .

( پیشنهاد اول بمضمون ذیل قرائت شد )

بنده پیشنهاد میکنم که این دو ماده ببقیه مواد ملحق شود .

۱ - تنباکو و توتون که مالکین و زارعین جهت مخارج و مصارف شخصیات زراعت می نمایند از مالیات معاف است .

**رئیس** - توضیح بفرمائید .

**حاج شیخ حبیب الله** - آن یکی را هم قرائت کنند در هر دو یکمرتبه توضیح میدهم

**رئیس** - بسیار خوب قرائت میشود ( پیشنهاد ثانی باین مضمون خوانده شد )

۲ - توتون و تنباکو تا وقتی که بتجارت فروش نشده است در شهر ها و قصبیات عمده از مالیات معاف است .

**حاج شیخ حبیب الله** - در پیشنهاد اول پیشنهاد شده است که زارعین و مالکین که جهت مصارف شخصی خودشان زراعت میکنند از مالیات معاف باشند و علتش این است که این مالیات را کدورت وضع کرده ملاحظه این را کرده که رعیت از اراضی که انتفاع بر میدارد عشر آنرا بدهد چونکه عوشرش را که باید بدولت بدهند معین بود چه باید بدهند و هر سال چقدر عاید میشد لهذا دولت قدر متیقن عایدات را ملاحظه کرد و فرمود چون از اراضی انتفاع میبرند باید آنقدر بدهند بعد از اینکه علت این شد مقدمه این باشد مسلم است که از يك جنس و از يك شئی نمیشود دو مرتبه مالیات گرفت برای رعیت چه فرق میکند چه کندم چه جو و چه غیر از آنها هر يك از حیوانات این مالیاتی را که میدهند برای زراعت است یکی از زراعتها هم تنباکو است که ده يك میدهند قهوی هذا از يك جنس دو مرتبه نمی شود مالیات مطالبه کرد این يك مقدمه دیگر اینکه ما گفتیم از رعیت بگیرند اگر چه بنا بر فرمایش آقای مخبر بطور مستقیم است یعنی قبلاً سرزراعت نمیگویند بیا مالیات بده ولی آن تنباکورا میبرند بداره دخانیات یا آن اداره که برقرار می شود و قیمت میکنند و میگویند مالیاتش فلان مقدار میشود و از او میگیرند چونکه رعایای ایران هم برض دخانیات مبتلا اگر نباشند از همین رعیت که خودش زراعت کرده است باین مالکین که برای خودش زراعت کرده اند مالیات بگیرند بکلی این زراعت از بین می رود بواسطه این که باید مبلغی زمین و آب را تلف کنند و مشغول بدارند تا وقتیکه يك تنباکوئی حاصل کنند اگر بنا باشد يك مالیات کزافی که صد سی باشد بر او بسته شود بکلی باب این زراعت مسدود خواهد شد و باب تجارت تنباکو هم بسته خواهد شد اینهم يك مقدمه - اما مقدمه ثانیه و ماده ثانیه که عرض کرده ام تا وقتی که بشهرها و قصبیات عمده بفروش نرفته باید از مالیات معاف باشد بلحاظ این است که اگر بنا باشد دولت از برای هر ده هکتار بر هر قریه و وکلانته يك مأمور تفتیشی و کذا و کذا معین نمایند لابد دخل دولت وفا بخرجش نخواهد کرد و می بینم صرفه دولت نیست که از برای تنباکوئی که يك قیمت کمی دارد خرج بسیار بکنند اما ملاحظه ملت که گفتیم برای

ملت هم يك منفعتی هست بعد از اینکه رعیت یا مالک فهمیدند مالیات نمیدهند بقدر متصرف بر میدارند و مابقی آن که میماند بنویسند سایر مال التجاره ها در شهرها بفروش می رود او هم بفروش میرسد در قراه که تنباکو و توتون عمده بفروش می رود لابد در شهرها است آنوقت هم دولت مالیات خودش را گرفته و بآن مقصودیکه داشته است ( یعنی تکثیر عایدات ) رسیده و هم بملت هم ضرری نخورده این نظر بنده است که عرض کردم .

**رئیس** - آقای مخبر قبول میکنید .

**حاج عزالممالک** - خیر رای بگیریم .

**مدحت السلطنه** - اولاً راجع باینکه آقای حاج حبیب الله فرمودند این مالیاترا از رعیت گرفتن موجب ضرر و خسارات رعیت خواهد بود برای اینکه رعیت يك مرتبه مالیات میدهد مگر در اینجا مذاکره شد و بالاخره يك ماده هم تصویب شد و نوشته شد که مستقیماً از رعیت گرفته نشود و مقصود این است که در سر محصول از تنباکوئیکه از اراضی حاصل میشود مالیات نگیرند و معلوم است اگر بنا شود زراع باسم اینکه تنباکو از برای مصرف خودش است مالیات ندهد و معاف باشد مقدار کلی ضرر دولت خواهد شد و در اینخصوص آقای زنجانی هم پیشنهادی فرمودند که باندازه بمصارف و مخارج رعیت از مالیات معاف باشد و رد شد و البته ضرر دولت خواهد بود يك قسمت از اظهارات هم مخالف با کلیات قانون بوده که میفرمودند این مالیات بحال رعیت و زارع مضرت و این هیچ موقع نداشت بلکه میبایست مغالطت در کلیات بفرمائید .

**رئیس** - رای میگیریم به قابل توجه بودن پیشنهاد آقای حاج شیخ حبیب الله دوقفره است یکی یکی قرائت میشود و رای میگیریم .

( مجدداً فقره اول قرائت شد )

**رئیس** - آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند .

( عده قلبی قیام نمودند )

**رئیس** - قابل توجه نشد - فقره دوم قرائت می شود .

( مجدداً قرائت شد )

**رئیس** - آقایانیکه این اصلاح دوم را قابل توجه میدانند قیام نمایند .

( عده قلبی قیام نمودند )

**رئیس** - قابل توجه نشد - اصلاحی است از طرف آقای مدرس قرائت میشود .

( بمضمون ذیل قرائت شد )

ماده الحاقیه - دولت ماذون است در صورتیکه مالیات توتون و تنباکو مضربه تجارت داخله باشد در غیاب مجلس شورای ملی تحقیق در آن بدهد

**رئیس** - پیشنهادی هم آقای ارباب کیخسرو الان فرستادند تا اندازه مربوط بهمین مطلب است قرائت میشود .

( بمضمون ذیل قرائت شد )

بنده پیشنهاد میکنم در آخر ماده دوم مالیات دخانیات این تبصره ضمیمه شود ( مالیات مقرر نسبت به توتون و سیگار به ترتیب ذیل اخذ خواهد شد - در سال اول صدده دوم صد بیست و واز سال سوم بیصد صد سی )

این پیشنهادیکه بند عرض کردم بر این است که از قرار حدسیات و تخفیفات این مالیات خصوص توتون سیگار اسباب ضرر تجارت داخله خواهد بود و ممکن است دولت در مقام اجرا بیاید و مجلس شورای ملی در آن وقت تعطیل باشد و موقع مجلس منقضی شده باشد و مجلس بعد هنوز تشکیل نشده باشد دولت هم نمیتواند قانون را هم بزند باید حتماً مالیات صد سی را بگیرد و از آن طرف صدوسی به تجارت داخله ضرر خواهد زد این يك اجازه ایست که اگر دولت دید ضرر تجارتست تخفیف بدهد اما اینکه آقای مخبر فرمودند این يك مسئله ایست که شاید وظیفه دولت نباشد عرض میکنم اینهم نظیر آن اعتباریست که بدولت میدهند که در قیاب مجلس اگر يك جایی يك ضرر فاحش به او خورد دولت بتواند يك تخفیفی ( بجهت مصلحت مملکت ) بدهد و این هم با هیچ قانونی از قوانین منافی ندارد الان مجلس يك اجازه بدولت میدهد که در صورتی که دید این مالیات مضربه تجارت داخلی است يك مقداری تخفیف بدهد که مضربه تجارت داخلی نباشد و گمان میکنم خیلی از شبهات بواسطه این مسئله رفع شود اگر واقعا مضر نشد که هیچ و الا اگر مضر شد در قیاب مجلس شورای ملی دولت بمحظور نیندند که یکدفعه سالی صد هزار تومان دویست هزار تومان تفاوت تجارت داخلی بشود از این جهت گمان اینست که این ماده مانع قانونی ندارد حالا اگر آقایان می خواهند قبول بکنند .

**حاج عزالممالک** - پیشنهاد آقای مدرس چند عیب داشت که کمیسیون نتوانست قبول کند اولاً اینکه مطلق توتون و تنباکو نوشته بودند در صورتی که تنباکو محل رفایست نیست و یکی هم نوشته بودند در قیاب مجلس شورای ملی دولت تخفیف بدهد کمیسیون تصور میکرد که یکی از وظایف مجلس شورای ملی است که مالیات زیاد را کسر کند و بطور مطلق نمی شود این اختیار را بدولت داد اما يك نظر اینست که آقای ارباب کیخسرو پیشنهاد کرده اند آن امری است علیحده آنهم باید اختیاری باشد نه بطور اجباری بطور اختیار می شود مجلس دولت را مجاز کند که به يك حد معینی تخفیف بدهد ولی نسبت ببیشنهاد آقای مدرس چون دولت را بطور مطلق مختار میکرد که در قیاب مجلس شورای ملی تخفیف بدهد صحیح نبود در صورتی که اساس مشروطیت تعطیل بردار نیست و هیچوقت نباید مجلس شورای ملی نباشد و دولت مختار باشد اینکار را بکند بنابر این کمیسیون نتوانست این رای را بدهد

**رئیس** - آقای سردار معظم راجع بهمین مطلب است .

**سردار معظم** - بلی بنده با آقای مخبر موافقم .

( آقای ناصر الاسلام و نجفقلی میرزا و مدحت السلطنه هم موافق بودند )

**رئیس** - پس رای میگیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای مدرس .

**مدرس** - حالا که موافقت بنده ببیشنهاد خودم را پس میگیرم .

**رئیس** - بسیار خوب آقای ارباب کیخسرو توضیح می دهید .

**ارباب کیخسرو** - بلی یکی از اشکالاتی که در قانون دخانیات شد مسئله تجارت بود که بعضی تصور میشوند شاید صدمه به تجارت و زراعت توتون و تنباکو وارد بیاید این مطلب بیشتر متوجه به توتون سیگار است یعنی آنچه یکبار از خارج بداخل مملکت وارد میشود همان سیگار است حالا برای اینکه دولت تجربه بکند بنده هم اینطور پیشنهاد کردم که سال اول صدده باشد تا در سال اول يك تجربیاتی بدست دولت بیاید اگر مضراتی در آن ندیده سال بعد را صد بیست میکنند تا تجربه ثانوی حاصل کند و اگر باز مضرتی ندید صد سی را بترتیبی که مقرر شده اخذ میکنند و اگر دوات در یکی از این شقوق مضراتی تصور کرد آنوقت نظریات خودش را بمجلس شورای ملی پیشنهاد میکند و مجلس شورای ملی ممکن است يك ترتیب دیگری اتخاذ کند .

**سردار معظم** - برای یکده هیچ تردید نیست که آن رقابت خارجی با برقرار کردن صدی سی یا صدی بیست یا صدی ده هیچ فرقی نمیکند و ترویج خواهد شد اما برای یکده که موافق این عقیده نیستند علاوه بر اینکه پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو راه چاره نیست يك مضرت دیگر را هم تولید میکنند و آن این است که با مالیات صدی سی شاید دولت يك عایدات قابل برسد ولی با امتداد مدت امتحان دو ضرر بر ما وارد می آید و آن این است که اگر صدی سی امتحان کنیم آنوقت همانطور که آقای ارباب فرمودند اگر دولت دید در اخذ صدی سی بر رقابت خارجی افزوده میشود بعد از یکسال نظریات خود را پیشنهاد میکنند ولی اگر اینطور باشد شاید مجبور شود بعد از سه سال پیشنهاد کند و از طرف دیگر يك عایداتی که ممکن است از این راه عاید دولت شود قهراً يك ثلث عاید دولت خواهد شد پس بنده با کمال موافقتی که با نظر آقای ارباب دارم که البته دولت باید خیلی در مسئله دخانیات دقیق شود و اگر بر فرض در قدم اول هم دید يك مضرت بزرگی متوجه مملکت میشود فوراً لایحه نسخ این قانون را ببیشنهاد مجلس کند عرض میکنم برای رسیدن به نتیجه این امتحان هیچ لازم نیست که صدی سی را بدل صدی ده بکنیم بلکه ممکن است دولت يك سال بهمین صدی سی رفتار کند بعد اگر ضرری متوجه شد نتیجه امتحانات خودش را بمجلس تقدیم خواهد کرد .

**رئیس** - آقای حاج شیخ اسد الله مخالفید یا موافق .

**حاج شیخ اسد الله** - مخالف پیشنهاد هستم همان فرمایشاتی را که آقای سردار معظم فرمودند بنده هم همان نظر را داشتم حالا باز اگر توضیحی بدهند بعد عرض میکنم .

**رئیس** کمیسیون قبول میکنند

**حاج عزالممالک** - خیر .

**رئیس** - پس باید رای بگیریم بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند .

( عده قلبی قیام نمودند )

**رئیس** - قابل توجه نشد - مذاکرات در کلیات قانونست در کلیات مغالطی هست یا نیست ؟



**سر دادار معظم** - بنده مخالف ولی نظریات بنده مانسکه مکرر عرض کرده ام و تمام آقایان مسبوقند دیگر تکرارش را لازم نمیدانم .

**منتصر السلطان** - سابق بر این عقاید خودم را راجع بمالیات دخانیات عرض کرده ام در جلسات قبل راجع بوزارت و صادرات مذاکره میشد و صادرات در سال صد و پنجاه هزار تومان مذاکره میکردند در حالیکه اگر در روزنامه یومیه رعد که از اداره گمرک صورت و صادرات را گرفته و منتشر نموده خوب بدقت ملاحظه فرمائید در سال چهارصد و نود هزار تومان یا جزئی کمتر (که درست نظرم نیست) وارد خاک ایران میشود و در سال تقریباً نزدیک سیصد هزار تومان خارج میشود در صورتیکه هنوز مالیات بر قرار نشده و باین قانون رأی داده نشده منظور است حالا هم که بعضی از آقایان راجع بامتحان مذاکره میفرمایند چون امروزه در تمام دنیا جنگ است و ممکن نیست تجارت بطور آزاد در تمام دنیا رواج باشد و در مملکت ما هم معلوم شده است که گمرک ما نصف شده بواسطه همین است که باب تجارت مسدود است و فعلاً ما نمیتوانیم امتحان کنیم که الان تجارت توتون چقدر است بعد از جنگ البته معین خواهد شد ولی این بر همه آقایان مکشوف است که یک چیزیکه امروز مالیات ندارد در سال چهارصد هزار تومان و چیزی یا قریب کرور دخانیات خارجه وارد مملکت ما میشود و پول طلا در مقابل این خارج میشود آیا بعد از وضع این مالیات چه خواهد شد عیناً همان مسئله است که در مجلس سابق راجع به تمک اتفاق افتاد و بنده هم در جلسه سابق عرض کردم متأسفانه حالاً هم میبینم که بواسطه وضع این قانون در سال چندین کرور پول طلای ایران بدبخت باید بخارجه برود

کردم) گرانتر از قیمت توتون خارجه نخواهد شد و اگر تصور می شود برای ارزانی مردم توتون خارجه را مصرف میکنند اینطور نیست چون قیمت توتون داخله ارزان تر است پس برای ارزانی کسی توتون خارجه مصرف نمی کند و فقط برای مذاق است پس اگر تصدیق کردیم برای مذاق است چه این مالیات را اضافه بکنیم و چه نکنیم آن کسیکه سیگار بزرگ بچهارزاری میکشد بعد از اینهم که صدی سی بر توتون داخله اضافه کنیم سیگار بزرگ خودش را خواهد کشید .

**سر دادار معظم** - بنده تصور می کنم که مطلب باین سادگی که بیان فرمودند نباشد البته هیچکس منکر لیاقت تحصیل مالیات بر دخانیات نیست و در این مطلب هیچ کسی تردید ندارد و در موقع جواب دادن یا تصدیق یا تکذیب نباید گفته شود که شنیده ایم مالیات دخانیات خیلی خوبست بلی بدین تردید دخانیات بهترین مورد مالیات گذار نیست ولی در بعضی مواقع یک مقتضیات خصوصی تولید میشود که مضراتش غلبه می کند و بقیه بنده مملکت ایران یکی از مالکی است که مضرات مالیات دخانیات بر مستشارش غلبه میکند البته تصدیق خواهند کرد که تنباکو یکی از محصولات انحصاری ایران است و از چندین قبل هم زراعت توتون ایران در معمول شده است این یکی از چیزهای ساده است که هر یک از اممالک دنیا منصف هستند محصولات فلاحی خودشان را به شوق و ترفین بنگاهداری کنند و مادامیکه اسباب آنرا فراهم نکنند نباید تحصیل بر آن بکنند و اگر تحصیل مالیاتی بر محصول مملکت خودش بکند نتیجه خوبی نخواهد برد و منجر بضرر خواهد شد اگر دولت ایران هم در عرض یکم سه قران از تنباکو و توتون ساخته نشده و یکم تومان ساخته شده میتواندست یک بلخ ریادی بگیرد یا بر گمرک اضافه کند بنده هم آنوقت کاملاً موافقت میکنم که چون گمرکش زیاد شده است بهمان مناسبتی که حق گمرک اضافه شده است همانقدر بر توتون و تنباکو داخله مالیات اضافه شود و لسی مادام که این قضیه نشده است (و مادام که بنده مطمئن نباشم که در موقع فروش توتون خارجه از تحصیل مستثنی نخواهد بود و هر دو مثل هم نیستند و فقط بر تنباکو و توتون داخلی تحصیل نخواهد شد که بهمان جهت توتون خارجه مصرفش زیادتر بشود) تصور میکنم هر نوع تحصیلی که بر تنباکو و توتون داخلی بشود اسباب این میشود که یکی از وسائل بزرگ ترویج تجارت خارجه بشود و یکی تجارت و زراعت توتون و تنباکو داخلی از میان برود پس قبل و مقدمتاً برای اینکه تمام منافع مالیات دخانیات عاید دولت بشود باید یکی از این دو مقدمه تهیه شود در اینجا آقای مغرب یک جمع و خرج مختصری فرمودند که چهارصد هزار تومان و خورده وارد میشود و یک مبلغی خارج میشود و تفاوت مابین صد هزار تومان است و فرضاً اگر صدی سی هم اضافه کنیم صد و سی هزار تومان میشود بنده عرض میکنم این طور نیست اولاً جنس توتونی که وارد میشود با جنس توتونی که خارج میشود متفاوت است اینها را نمیشود باهم مقایسه کرد قسمت اعظم این تجارت که از مملکت ما خارج میشود تنباکو است و آن چیزیکه بمملکت ما وارد میشود توتون و سیگار ساخته شده است که اگر به استاتستیک گمرک رجوع کنند خواهند

شده است و در این سنوات اخیر زراعت دخانیات مخصوصاً زراعت توتون در ایران خیلی ترقی کرده است و میشود گفت که از واردات توتون خیلی کاسته شده است یعنی کمتر از سنوات قبل وارد میشود و تصور میکنم بارهاست صدی جلو رقابت گرفته شده باشد و با همان نظریات عمیقانه که از طرف خزانه داری شده جلوگیری خواهد شد و علاوه بر این ممکن است دولت در صورت موفقیت داخل در باره مقررات و قراردادهای بشود و اجراء کند و در صورت عدم موفقیت ممکن است نسخ این قانون را نقض کند چنانچه در قانون تمک وقتی مضراتش را فهمیدند نسخ آنرا بمجلس پیشنهاد کردند و در اقباب نقاط هم اتفاق می افتد که یک قانونی وضع میشود و بعد نسخ میشود پس بعد از آنکه در کلیات این قانون و شور اول مذاکرات شد و در موادش هم رای داده شده است گمان میکنم دیگر در کلیاتش بیش از این مذاکرات لازم نباشد زیرا اثری ندارد و بالاخره این قانون با کثرت خواهد گذشت .

اجازه خواهد داد که توتون خارجه را صرف کنند و از تنباکو صرف نظر کنند و مادل دو میلیون مرز از توتون خارجه وارد میشود و از زراعت داخله کسر میشود پس وقتیکه دیدند صرف نمیکند آنوقت زراعت دیگر زراعت نمی کنند و این زراعت بکلی بزمن خواهد خورد چندین کرور که عرض کردم باین جهت بود و البته این چندین کرور در ظرف یکسال خارج نمیشود و بتدریج این تفاوت پیدا خواهد شد .

**حاج عز الممالک** - بنده نسبت بدو میلیون میخواهم عرض کنم آقا مقدار را کم فرمودند بجهت اینکه در لایحه اول سه میلیون چیزی بالا تصور شده است در لایحه دوم که ما صورت خواستیم تقریباً چهار میلیون نوشته اند پس بیشتر از اینها محصول توتون و تنباکو ایران است ولی از آنطرف بندهم درست حسابش را ملتفت نشدم که اگر بر این چهار میلیون منی که توتون و تنباکو در ایران بعمل می آید صدی سی اضافه کنیم بطور میشود که آنوقت توتون خارجه بجای تنباکوئیکه در ایران معمول است و مصرف میشود خواهد آمد در اینجا باید فقط یک نظر را گرفت و دید که آیا با اضافه صدی سی توتون داخله از توتون خارجه گران تر میشود یا نه؟ پس وقتیکه می بینم گرانتر نمیشود پس باید تصدیق کرد که رقابت قیمتی در کار نخواهد بود و رعایت راجع بمذاق است یعنی وقتی بنده یک توتونی داشت داشتم باشم و نتوانم توتون دیگر بکشیم اگر اضافه بشود فرقی نخواهد کرد باز آن توتون را خواهیم کشید پس در صورتی که می بینم با اضافه صدی سی قیمت توتون داخله از توتون خارجه اضافه نمیشود باید تصدیق کنیم که بر رقابت خارجه از حیث قیمت و ارزانی نخواهد شد حالا اگر یکمده اشخاصی (با آنکه مالیاتی نبوده است) توتون خارجه استعمال میکنند باز هم استعمال خواهند کرد و اگر تجارت و بلاحت ایران از حیث دخانیات زیاد نشود و مربوط باین قانون نیست این قانون کسرا منع نمیکند زراعت و فلاحت نکنند پس باید درست دقت کرد که با اضافه صدی سی قیمت حالیه توتون داخله با توتون خارجه موازنه میکنند یا نه آنوقت اگر توتون داخله از توتون خارجه زیاد تر نمیشود باید مالیات را گرفت و الا در صورتیکه قیمت توتون ایران زیاد تر از توتون خارجه بشود باید تصدیق کرد که توتون خارجه وارد ایران نمیشود غیر از این دوشق شق دیگری ندارد .

**سر دادار معظم** - از مفاد نطق حضرت والا همچو معلوم شد که مخالفتی که باین لایحه میشود بعنوان تکثیر عایداتست بنده مجبور هستم توجه ایشان را جلب کنم که این مخالفت از این نقطه نظر نیست چنانکه لویج دیگر تکثیر عایدات که بمجلس آمد و گذشت یکی از مدافعین جدی آنها خود بنده بودم و همیشه سیگار بزرگ بیست کیلک جائزه داده میشود پس با این جائزه که داده میشود باینکه گذشتن یک کرور دادی بر بتوان تعرفه گمرکی بنده با کمال تأسف و بدین تردید عرض میکنم اشخاصی که اظهار امیدواری میکنند و میگویند با گذشتن این قانون این طور نخواهد شد اینطور نیست و بهمان نسبتی که بر توتون داخله تحصیل میشود بهمان نسبت واردات توتون ساخته شده و ساخته نشده خارجه زیادتر خواهد شد

**فجفقلی میرزا** - اختلافی که هست این است که اغلب نمایندگان چه در جلسه قبل و چه در این جلسه میفرمایند که اساساً با تکثیر عایدات موافق هستیم من نمیدانم تکثیر عایدات چه چیز است و از کجا تکثیر عایدات خواهد شد و اگر یک راه تکثیر عایدات غیر از قانون مستللات و قانون دخانیات که بمجلس می آید و مخالفت میشود نشان میدادند و معلوم میشد که این مخالفت که میشود از چه راه است و بنده میفهمیم من هم مخالفت میکنم این قانون دخانیات یک چیز بدون سابقه نبوده که بدون فکر بمجلس آمده باشد یک سو ابقی دارد شاید ششماه یا یک سال در تحت مذاکره بوده است و بین خزانه داری و ماورین گمرک که در سرحدات داشتند مذاکرات زیاد شده است و برای مقدمات این قانون ملاحظه احصائیه و ترتیبات اجراء آن شده است و برای جلوگیری از رقابت تجارت خارجه هم پیش بینی شده که صدی سی معین کرده اند زیرا در زمان مسبوحنس که چندسال رئیس گمرک جنوب بوده و پس از آن چند سال هم رئیس گمرک سرحدات شمال ایران بوده و کاملاً در این خصوص دقت کرده خیلی پیش از صدی سی پیشنهاد کرده بود لایحه او هم فعلاً موجود است پس معلوم میشود که اینجا ملاحظه رقابت خارجه را که کرده اند و صدی سی معین کرده اند این احصائیه هم که میفرمایند احصائیه چند سال قبل است و تا بحال از آن احصائیه کاسته

(پیشنهاد مزبور بمضمون ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم در آخر ماده دوم مالیات دخانیات بطور تبصره ضمیمه شود : مالیات مقرر نسبت به توتون سیگار از قرار صدی بیست است

**رئیس** - آقای میرزا محمدعلیخان توضیحی دارید

**میرزا محمد علیخان** - در اینجا چون که از طرف دولت پیشنهاد شده است حق این بود که در مقدار مالیات چندان صحبتی نشود زیرا تصور میکنم که دولت قدر متیقنی در نظر گرفته و این قانون را پیشنهاد کرده است ولی چیزیکه بنده را به این پیشنهاد وادار کرده است این است که می بینم مذاکرات بسیار در خصوص این قانون در مجلس شد و از مذاکرات آنچه استخراج کردم عموماً نمایندگان از مخالفان موافق یا موافق اتفاق دارند که مالیات دخانیات لازم است و مخصوصاً بنظر اینکه از مواد اولیه زندگانی نیست و راجع به تحصیل و تفنن است هیچ ضرری ندارد بلکه خیلی هم لازم است خاصه اینکه لزوم تکثیر عایدات برای دولت دولت رامجبور کرده است بر اینکه حتماً و فوراً با کمال عجله برای اینکه منافع پیدا کند و یک جبرانی از کسر مخارج بشاید این قانون را پیشنهاد کنید اما مخالفتهایکه تا کنون در این باب شده است بدو نظر بود یکی اینکه مبادا این مالیات مستقیماً تحصیل بزراعت بشود و اسباب زحمت رها بشود و اینهم چون یک مسئله اساسی است که همیشه باید مجلس از وضع قوانین و در نظر اول ملحوظ داشته باشد مذاکرات زیاد شد و بموجب ماده که پیشنهاد شد و گذشت این نظر هم ملحوظ شد و اما در یک قسمت دیگر که مکرر و مفصل مذاکره شده است راجع بنظری است که نسبت به تجارت خارجه و اقتصادی مملکت مذاکره شده است و این مسئله را هم بنده کمتر از آنکه اولی نمیدانم البته همیشه در وضع قوانین یک اصول مسلمه را باید ملحوظ داشت و یکی از آنها همین است که بر رقابت تجاری و کسر تجارت و اقتصاد برای مملکت از وضع قانون حاصل نشود در اینخصوص بعضی اظهارات شد که اگر صورت بگیرد گمان میکنم این نظر را ترمیم کرده است یکی این است که دولت بتواند نسبت به تعرفه گمرکی تصرفاتی بکند و مذاکراتی بکند و از برای موقعیت توتون و تنباکو معالجاتی بکند و بجای برسانند از بابت وارد و صادر و موفقیت تجاری خود شرا آسوده کنند یکی دیگر اینکه دولت نسبت باین امر معالجاتی در داخله مملکت اجرا بکند بنده تصور میکنم نظر اولیه (که عبارت از اقدامات دولت است نسبت به اصلاحات تعرفه گمرکی) امروز مشکل است زیرا با لزوم تکثیر عایدات که دولت متذکر شده است و یا عجله که برای پیشنهاد کردن این قانون داشته است و بخصوصاً در این اوقات میخواهد موفقیتی پیدا کند باین نظر گمان میکنم تاخیر در گذشتن این قانون از برای دولت یک قدری دشوار و سخت خواهد بود و اصلاحات و ترمیم معالجات داخلی هم که دولت بتواند در اینخصوص بشناید یکمقداری وقت لازم است که دولت موفق شود و نسبت باین قانونهم چه در شور اول و چه در شور ثانی مذاکرات کافی شده است و می بینم که آن نظر اولیه اصلاح شده است ولی مذاکره قسمت ثانی طوری است که ممکن است یک ترمیمی بیش بیابرد که قانون نگذرد بنا بر این بنده مخصوصاً قید میکنم که



يك قانونی که بمجلس میآید ولو اینکه ماههای زیاد در آن مذاکره شود و دولت هم خود را در فرط احتیاج به بیند و مجبور بگذراندن اینقانون باشد باز در مقابل همه اینها يك نقطه قابل ملاحظه است و آن این است که باید رعایت مسائل اقتصادی و تجارت و نظر سیاسی در وضع قانون بشود با قید باین نکته مخصوصاً عرض میکنم که اشکال در اینجا بمشکل ثانوی (که عبارت از ترویج توتون خارجی است) تعلق میگیرد چیزی که محرك بنده در این پیشنهاد میشود این است که این مسئله را بیکشکلی ترمیم کنیم بنده در پیشنهاد خود رعایت این مسئله را کرده ام که اگر این قانون از مجلس رد شود آتوق معلوم نیست که این حس ضرورت تکثیر عایدات که باین عجله از طرف دولت پیشنهاد شده است و این اتفاق کاملی که افراد نمایندگان بکمال مساهمت دولت در تکثیر عایدات دارند و با اینکه قانون و مالیات دخانیات يك مالیات است که بجائی برنجور و لازم است امروز وضع شود نمیدانم در تحت چه عنوان و دلیلی تمام این نظریات باید از میان برود پس بهتر این است که ما يك معامله و اصلاحی در این کار بکنیم که اساس مسئله را که در نظر داشتیم یعنی گذراندن اینقانون و تکثیر عایدات از بین نرود این قانون بگذرد منتهی باید يك اصلاحات و معالجاتی که بنظر میآید با اعتقاد بنده اگر کمیسیون قبول کند مالیات توتون چنانکه در پیشنهاد خود عرض کرده ام از صدی سی به صدی بیست تنزل کند شاید عیال خاطر ما را تا مین کند که رقابت خارجی در تجارت توتون نسبت باین تفاوت صدی ده تنزل خواهد کرد و هم از این تفاوت يك فرصتی بدولت و مجلس میدهم که در موقع لزوم يك تجدید نظری بکنند اگر باید بکلی حذف کنند حذف میکنند و اگر بایدهلاوه کنند علاوه خواهند کرد و اصل موضوعی را که باید اصلاح کنند با فرصت زیاد انجام میدهند این است که برای رعایت این مسئله اساسی تصور میکنم بدیناشاره که این مالیات صنی سی در توتون سیگار بعدی بیست تنزل کند و این صدی ده تفاوت هم يك اندازه از رقابت تجارت خارجی جلوگیری خواهد کرد بنا بر این خوبست تنها کو را که دچار بر رقابت خارجی نیست ما بمالیات صدی سی رأی بدیم و توتون را که مسئله رقابت در اوست با تخفیف يك صدی ده او را هم از رقابت مصون بداریم تا بعد اگر دولت در اینخصوص يك نظری داشته باشد بمجلس پیشنهاد کند .

**رئیس** - کمیسیون قبول میکنند .

**حاج عزالمالک** - چون آقای وزیر مالیه موافق هستند بنده هم قبول میکنم در صورتیکه سایر اعضاء کمیسیون در این باب مخالفتی نکنند .

**رئیس** - باید آراء خودتانرا جمع آوری بفرمائید بعد جواب بدهید اگر مخالفتی نیست ده دقیقه تنفس داده میشود تا کمیسیون رأی خودش را حاضر کند .

(در این موقع حضار برای تنفس خارج شده و پس از یکسری ساعت مجدداً جلسه تشکیل گردید)

**رئیس** - پیشنهادی است آقای آقامیرزاهاشم

کرده اند که توتون سیگار از مالیات معاف باشد قرائت میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که بر اساس تبتا کو و توتون باستانی توتون سیگار که در خاک ایران عدل میآید از قرار صدی سی مالیات مقرر شود

**رئیس** - توضیح بفرمائید

**آقا میرزاهاشم** - عرض میکنم بموجب مذاکره آنکه آقایان در این چند جلسه کردند فقط چیزیکه موجب رقابت است توتون سیگار است باین جهت پیشنهاد میکنم که توتون سیگار را موضوع کنند و بر سایر اقسام توتون مالیات وضع شود

**حاج عزالمالک** - کمیسیون این پیشنهاد را نمی تواند قبول کند و اگر آقایان نمایندگان بخواهند با این پیشنهاد موافقت کنند خوب است يك ماده دیگری پیشنهاد شود که اصلاً این مالیات وضع نشود .

**رئیس** - برای میکنیم باین توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه پیشنهاد آقای آقامیرزاهاشم را قابل توجه میدانند قیام نمایند

(عده قلبی قیام نمودند)

**رئیس** - قابل توجه نشد - پیشنهاد آقای میرزا محمدعلیخان را کمیسیون قبول کرد یاخیر

**حاج عزالمالک** - بلی قبول کرد

**رئیس** - اینکه گفته شد بطور تبصره نوشته شود صحیح نیست اگر تصویب شد بطور فقره دوم باده دوم الحاق میشود بکمرته دیگر قرائت میشود و رأی میکنیم

(مجدداً بمضمون سابق قرائت شد)

**رئیس** - آقایانیکه این اصلاح را که در فقره دوم ماده دوم می شود و آقای وزیر مالیه و کمیسیون هم قبول کرده اند تصویب میکنند قیام نمایند .

(عده کثیری قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد - بمذاکره کلیات خاتمه داده شد حالا باید رأی بگیریم بکلیه قانون آقایانی که مالیات دخانیات را که مشتمل است بر شش ماده با يك اصلاحی که الان شد و بطور فقره دوم باده ده ضمیمه میشود تصویب میکنند و رقه سفید خواهند داد آقایانیکه تصویب نمی کنند ورقه کبود خواهند داد .

(در این موقع شروع باخذ رأی شده و بطریق ذیل نتیجه حاصل شد)

عده رأی دهندگان ۵۷ - ورقه سفید علامت قبول ۳۶ - ورقه کبود علامت رد ۱۵ - ورقه بدون اسم علامت امتناع ۶ - رئیس از ۵۷ نفر رأی دهندگان با اکثریت ۳۶ رأی تصویب شد .

(اسامی قبول کنندگان)

آقای اسد حسن - آقا میرزا طاهر تنکابنی - امیر مؤید - مرآت السلطان - صدر الملک آقامیرزا محمد علی خان نماینده همدان - شریعتدار - مشارالدوله فرج الله خان - سردار معظم - حاج میرزا حسین کرمانشاهانی - آقا شیخ ابراهیم زنجانی - عدل الملک - صدر الملک - عماد السلطنه - وحید الملک - دکتر حسینقلی خان - آقا شیخ محمد حسین استر آبادی - قوام الدوله - نظام السلطان - دکتر لقمان - ارباب کبخسرو - نجفقلی میرزا - میرزا قاسمخان - سردار معتمد -

آقای اسد حسن کزازی - سلیمان میرزا - اهراز السلطنه آقا شیخ محمد حسین خونساری - ادیب السلطنه - معتمد السلطنه - آقا سید محمد رضا مساوات - آقامیرزا محمد صادق طباطبائی - مدحت السلطنه - حاج عبدالملک حاج میرزا اسدالله خان - معتمد الدوله .

(اسامی رد کنندگان)

آقا میرزا طاهر متولی - آصف الملک - منتصر السلطان - آقامیرزاهاشم - مصر الملک - حاج شیخ یوسف - حاج شیخ حبیب الله - آقا سید فاضل - حاج سید رضا - حاج میرزا علیرضا - حاج شیخ فضلعلی آقا - آقا میرزا محمدعلی خان نماینده یوشهر - آقا شیخ یحیی - حاج شیخ محمد حسن - مؤید الاسلام .

**رئیس** - آقایان در چند جلسه قبل رأی دادند که يك کمیسیون ۶ نفری برای مطالبه بودجهها معین شود حالا که مشغول شور اول تبدیل خالصجات انتقالی میشود آقایان می توانند یکی یکی بخارج تشریف ببرند و رأی بدهند و برگردند .

(در این موقع آقایان حاج معین التجار - آقا میرزا طاهر تنکابنی و امیر مؤید (بحکم فقره برای نظارت در استخراج آراء معین شدند) .

**رئیس** - ماده سوم از قانون تبدیل مالیات خالصجات انتقالی بمالیات اربابی قرائت میشود .

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده سوم - قیمت تفاوت مذاکره در ماده (۱) عبارت از حاصل ضرب این تفاوت است در ده مالیات جنسی از قرار نرخ متوسطه سه سال قبل از خرید تفاوت مالیات تسعیر شده و حاصل عمل تسعیر مأخذ تعیین قیمت تفاوت خواهد بود .

**عماد السلطنه** - برای توضیح این ماده بنده در جلسه قبل پیشنهادی عرض کرده بودم خوب است مقرر بفرمائید قرائت شود .

**رئیس** - قرائت می شود - در این ماده که خوانده شد مخالفی هست .

**ارباب کبخسرو** - راجع به تسعیر مالیات جنسی آقایان در جلسه قبل فرمایشی فرمودند و جوابی هم داده شد ولی بنده درست ملتفت نشدم در فرامینی که صادر شده است بعضی اشخاص زیرک بوده اند که در همان فرمان مالیات جنسی را تسعیر کرده اند و مقدار جنسی ابدأ در فرمان ذکر نشده است فقط يك مالیات نقدی نوشته شده است در بعضی دیگر همان مالیات جنسی را بدون تسعیر نوشته اند و در بعضی جاها مقدار جنسی با تسعیر نوشته شده است و در سه قوی ثیل از طرف مجلس مقرر شده است که تمام تسعیرات برگردد و معین جنس را بگیرند در جلسه قبل وقتی که ذکر شد آقای مخبر و آقای وزیر مالیه توضیح دادند که مطابق همانکه در فرمان نوشته شده عمل می شود .

**رئیس** - این راجع باده دوم است .

**ارباب کبخسرو** - چون در اینجا ذکر قیمت مالیات جنسی را می کنند بنده در اینجا توضیح بخواهم که واضح تر بفرمائید آیا آنجائی که تسعیر شده است و مالیات جنسی ذکر نشده است در صورتی که در سه قوی ثیل مجلس شورای ملی مقرر داشته است تمام تسعیرات برگردد و معین جنس دریافت شود آیا چه صورتی خواهد داشت و با اینکه مجلس شورای ملی در سه قوی ثیل رأی داده است معین جنس گرفته شود عمل می شود .

و معمول هم بوده است چه قسم رفتار خواهند کرد

**سردار معظم** - این راجع بماده سه نیست و بنده تصور می کنم خارج از بحث ما باشد حالا اگر لازم است در آن بابت توضیح بدهم والا بنده تصور می کنم این مسئله راجع بماده سوم نیست اصل مطلب ماده سوم در باب تعیین قیمت خرید است که بجهت ترتیب باید تفاوت مالیات خرید شود در اینجا میزان خرید را می گویند ده يك است یعنی ضرب در ده باید بکنند اما کلمه جنس که در اینجا خوانده می شود برای این است که تمام مالیاتها نقدی نیست معلوم است بعضی مالیاتها جنسی است و برای اینکه بتوان قیمت آن تفاوت جنس را معین کرد باید ابتداء جنس را تسعیر کند و قیمت جنس را در ده ضرب کنند و برای این مقصود که معلوم باشد بجهت ترتیب وجه قیمت تسعیر می شود گفته شده است قیمت متوسط سه سال قبل از آن وقتی را که مالک میخواهد تفاوت مالیات ملک خودش را بخرد معین می کند آنوقت آنرا ضرب در ده می کنند و باید از آن فرار خریداری شود .

**ارباب کبخسرو** - بنده این ماده را ملتفت شده بودم که برای این مقصود نوشته شده است ولی سؤال می کنم که مأخذ آن جنس را که بصورت نقدی نوشته شده است چه جور معین می کند آنرا جنس می گیرند یا نقد بنده در اینجا اشکال دارم .

**مخبر** - توضیحی که در جلسه قبل در ماده ۲ ذکر شد حالا هم باید تکرار شود نظر باینکه اعتبار خرید و فروش املاک همان اسناد است که در دست اشخاص هست یعنی همانطور که اسناد مردم در موقع معاملات معتبر است ما هم فرمان انتقالی را معتبر بدانیم و مطابق آن عمل کنیم چون اساس حق مالکیت افراد بر حسب سندی است که اسم آن فرمان است و همین طور که در معاملات اسناد افراد معتبر است باید بگوئیم که در معاملات دولتی هم اسنادی که دولت میدهد معتبر است حالا اینجا بر میخوریم به يك قضیه که تسعیرات و برگشت آنها است اول این نکته برای توضیح باید گفته شود که اکثریت تخفیف ها در فرامین نیست و اگر ما بصورتها مراجعه کنیم خواهیم دید که اگر تخفیفها و تسعیراتی که شده است راجع بدستور العملها است و مطابق حکم مجلس اول تا وقتی که يك مجلس او را نقض نکند (بواسطه اینکه يك مجلس میتواند حکم مجلس دیگر را نقض کند) آن قیمتی که در فرمان ذکر شده است باید مجری و معتبر باشد و از روی آن باید عمل شود این بوده است نظر دولت و نظر کمیسیون قوانین مالیه .

**رئیس** - اصلاح آقای عماد السلطنه قرائت میشود .

(بمضمون ذیل قرائت شد)

این بنده پیشنهاد می کنم که ماده (۳) مصوبه کمیسیون این قسم نوشته شود نه قسمت از مالیات نقدی خالصجات را دولت از قرار تومانی ده تومان بفروش میرساند مالیات جنسی را هم قیمت سه سال قبل از فروش را روی هم حساب نموده و ثلث آن میزان تسعیر خواهد بود که مطابق مالیات نقدی فروخته میشود .

**رئیس** - توضیح بدهید .

**عماد السلطنه** - چون این ماده خیلی مبهم بود شاید عموم مردم درست ملتفت نمی شدند بنده پیشنهاد کردم این شکل نوشته شود مقصود دولت هم فیر از این نیست که باید ضرب در ده شود ولی پیشنهاد بنده سلسله تر و عبارتتر بهتر است و مردم بهتر میتوانند استفاده کنند

**رئیس** - اگر اصلاح عبارتیست چون شور اول است خوبست بفرستیم بکمیسیون

**عماد السلطنه** - بلی اصلاح عبارتیست

**رئیس** بسیار خوب رجوع میشود بکمیسیون ماده چهارم قرائت میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۴ - خالصجات انتقالی که عایدات فعلی اربابی آنها زیاد تر مالیات خالصگی نیست معین شده يك عشر از عایدات سهمی مالک بعنوان مالیات موضوع و هشت مقابل بقیه آن موافق شرایط مذکوره در ماده ۵ - به عنوان قیمت دریافت میشود در صورتیکه مالک از عهده ادای قیمت تفاوت مزبور بر نیاید کلیه عایدات ضبط دولت شده دوشتر آن بامالک داده شده و يك عشر بعنوان مالیات و هفت عشر باقی مانده از بابت قیمت خرید تفاوت محسوب می گردد

**آصف الممالک** - در اینجا نوشته شده است در صورتیکه مالک از عهده بر نیاید ضبط میکنند دیگر توضیح ندارد کی حاصل را ضبط میکنند خود مالک باید ضبط کند یا دولت خوبست در این باب يك توضیح بدهند .

**مخبر** - واضح است که عایدات ضبط دولت میشود .

**حاج شیخ حبیب الله** - میفرماید در آن صورتیکه عایدی خالصجات زیادتر از مالیات خالصه نیست معین می شود در صورتیکه معلوم باشد عایدی خالصه زیاد تر است یا کمتر است یا مساویست این صورت دیگر محتاج معین نیست که اسباب خرج برای دولت بشود در صورتیکه شك داشته باشد زیاد است یا کمتر است آنوقت محتاج بمعین نیست این يك مطلب مطلب دیگر اینکه در آخر می فرمایند يك عشر از عایدات سهمی مالک بعنوان مالیات محسوب و هشت مقابل بقیه مطابق شرایط ماده ۵ بعنوان قیمت دریافت میشود در ماده (۵) شرایط ذکر شده است لکن شرطی که راجع باینجا باشد ذکر نشده است و ثانیاً در آخر می فرماید در صورتیکه مالک از عهده ادای قیمت تفاوت مذکوره بر نیاید کلیه عایدات ضبط دولت شده دوشتر بامالک داده شده و يك عشر آن بعنوان مالیات و هفت عشر باقی از بابت قیمت خرید محسوب می گردد در صورتیکه این مقدار از بابت قیمت محسوب شود آنوقت مالیات دولت از بین میرود مثلاً حالا دولت سالی صد خرواری مالیات از آنجا میگیرد در صورتیکه دولت بخواهد آنرا بعنوان قیمت بگیرد گمان میکنم آنوقت مالیات دولت از میان میرود .

**مخبر** - اما آن قسمت معینی که محل احتیاج خواهد بود برای این است که عایدات تقسیم میشود يك قسمت آن بعنوان مالیات باید معین واخذ شود دو قسمت دیگر هم باید معین شود و بامالک داده شود و هفت قسمت دیگرش را

هم باید از بابت قیمت خرید دولت بردارد پس باید معینی بشود که عایدات واقعی معلوم شود بملاوه در بابت زیادتی و کمی عایدات و نتی که مالکین مدعی می شود که عایداتش زیادتر از مثال دیوانی نیست لازم است معین شود پس از این دو نقطه نظر باید معینی شود اما فرمودند که در ماده پنج شرایطی نیست که راجع باین ماده باشد عرض میکنم دارای شرایط هست تأدییه اقساط و اجرت المثل و این قبیل مطالب چیزهاییست که شامل ماده چهارم می شود اما يك مسئله دیگر که فرمودند اگر دولت هفت عشر را ضبط کند مالیاتش از میان میرود بنده ندانستم چطور از میان میرود بجهت اینکه وقتی که دولت تمام عایدات را بر آورد کرد نظر باینکه در املاک اربابی ماخذ مالیات یکعشر دوشتر است آن عشر را برای مالیات موضوع می کند و دوشتر را هم بامالک واگذار میکنند و هفت عشر دیگر عایدات باقی میماند که اگر این خرید تفاوت نمی بود باید بامالک داده شود آنوقت این هفت عشر را دولت ضبط می کند تا وقتی که قیمت تفاوت با اجرت المثل صدی شش که در ماده بعد ذکر می کند استهلاک شود بمباراة آخری تا وقتیکه طلب دولت داده شود وقتی که طلب داده شد ملک باین مالیات ده يك بمالکش بر می گردد

**حاج شیخ اسدالله** - در این ماده می نویسید (خالصجات انتقالی که عایدات فعلی اربابی آنها زیادتر از مالیات خالصگی نیست) معنی این عبارت این است که مثال دیوانی آن مطابق فرمانی که دارد بقدر عایدی او نباشد و مثال دیوانی او مطابق با تمام عایدی خالصه بنماید خلاصه اش این است که تمام عایدات آن خالصه مطابق فرمانیکه دادر مال دولت است حالا در اینجاست که مطابق این ماده يك عشر از بابت مالیات موضوع شود و دوشتر را برای مالک بگذارند و هفت عشر آن را مالک عوض قیمت خریداری کند این خارج از بحث ماست کلام در این مورد است که معین مالیاتها که باید مطابق فرمان بدولت برسد دولت در اینجا دارد عوض آن ملک قبول می کند دقت بفرمائید که بطور ملک خالصه بفروش میرسد ملک خالصه بجهت مقداری بفروش میرسد - بجهت مالیاتی که باید بدولت برسد بفروش میرود این هیچ فلسفه ندارد و حال آن که مطابق همان فرمانی که دارد مثال دیوانی تمام مال دولت است حالا دولت می آید این مثال دیوانی خودش را میبرد و بعد از مدتی عایدی را واگذار به مالک میکند فقط يك عشر از آن را بعنوان مالیات باقی می گذارد بنظر بنده این هیچ فلسفه ندارد و نمی دانم چه نظری کمیسیون در این باب داشته است .

**حاج شیخ حبیب الله** - در این ماده می فرماید هفت مقابل بقیه آن موافق شرایط مذکوره در ماده پنجم بعنوان قیمت دریافت میشود در ماده پنجم معین فرموده که در صورتیکه از ده هزار تومان تجاوز نماید وزارت مالیه مازاد ده هزار تومان را با قساطی که مقتضی بدانه با اجرت المثل صدی شش دریافت خواهند نمود این صورت را هم باید ملاحظه کرد که اگر از ده هزار تومان کمتر شد و نتوانست از عهده مالیات بر آید مثلاً هفت هزار تومان بود و از عهده هفت



هزار تومان هم بر نمی آید خوب است دولت در اینجا يك ملاحظه داشته باشد که این ملك آبادشود چون وقتی که دولت عایدی اورا ضبط میکند زحمتی در این ملك نخواهد کشید و بکلی این ملك بلا حاصل و باير خواهد ماند خوبست دولت در اینجا يك ملاحظه بکند .

**مخبر -** راجع بفرمایشات آقای حاج شیخ اسدالله باید عرض کنم که تمام خالصجاتی که امروز در دست مردم است خالصجاتی نیست که مستقیماً از دولت خریده باشد اغلب خالصجاتیست که در دست دوم و سوم مردم يك يولی داده و خریده اند اگر ما آنها را مکلف و مقید میگردیم که حتماً مثال دیوانی را تأدیبه کنند یا مثال دیوانی را بخرند والا ملك آنها ضبط میشود در این شقوق ممکن بود موامنی پیدا شود اسباب تزلزل در مالکیت مردم فراهم شود و این دور از عدالت بود بنابراین مجبور بودیم که يك شق دیگری را اتخاذ کنیم این نکته را نباید فراموش کنیم که این قانون آزاد و اختیاری است و اجباری نیست اشخاصی که خالصه و فرمان دارند اگر عدم رضایتی از مالیات خودشان ندارند که مطابق فرمان مالیات میدهند و بهیچوجه نزدیک باین قانون نخواهند آمد و کما فی السابق مالیات خودشان را تأدیبه خواهند کرد تا وقتی که دولت در ضمن يك معیزی های کلی قرار مالیات آنها را هم بدهد و تکلیف عموم مالیاتها را معین کند پس این مسئله بر میگردد باشخصی که از مد نظر تأدیبه مالیات اشکالاتی دارند در این صورت هم حقیقتاً این اشکال از مد نظر زیاد کردن عایداتست آنوقت - کمش در ماده اول هست که اشخاصی که استطاعت دارند یولی بدولت بدهند و تفاوت مالیات خودشانرا بخرند در این صورت اسباب اشکالی نیست و باید بیکی از این مواد عمل شود اما ممکن است يك شق دیگری پیدا شود که اولاً عایدات با مثال دیوانی مطابقت نکند یعنی چه یعنی بر فرض هم اگر دولت آن مثال موهومی که در فرمان نوشته شده است ضبط کند و عایدات واقعی آنرا بگیرد باز ضبط کردن آنها برای دولت صرفه نداشته باشد این ماده راجع است بآن املاکی که عایدات آنها زیادت از مثال دیوانی نیست آنوقت چه میکند - يك عشر از عایدات را بعنوان مالیات موضوع میکنند و نه عشر دیگر را بهمان تفصیلی که در این ماده نوشته شده است در عشر برای ملك میگذارند و مابقی را ضبط میکنند و پولش را مطابق ماده پنج میگیرند اما آن اشکال آقای حاج شیخ حبیب الله هم که فرمودند وارد نیست بجهت اینکه اشاره باده پنج وارد است و مربوط است بواردیکه صاحب آن ملك بتواند یولی نقدی بدهد یعنی بتواند ده هزار تومان را بدهد یا اینکه شق دیگری پیش بیاید و صاحب خالصه استطاعت تأدیبه اول یولی نقدی را که ده هزار تومان است نداشته باشد آنوقت چه باید کرد از يك طرف خالصه را مستقیماً از دولت نخریده است و ممکن است از دیگران خریده باشد و در مقابل يك يولی داده باشد و بتواند این قضیه را كاملاً ثابت کند و اسناد معتبر و قبایله صحیح هم داشته باشد در اینصورت یا نباید بگوئیم که دولت مکلف است تمام یولها رایس بدهد این مسئله با ضیق مالیه دولت امروز مقتضی نیست یا

این است که بگوئیم دلت از آنها مراعاتی بکند حالا نباید فهمید این مراعات چه چیز است - این مراعات این است که در واقع دولت قیمت تفاوت را بصاحبان ملك قرض بدهد و بعد متدرجاً در صد استرداد قرض خودش بر آید و با اجرت المثل پس بگیرد در اینصورت هم معلوم است که عایدات ملك در عوض قرضی که صاحب ملك بدولت مقروض است باید پرداخته شود بنا بر این يك عشر از عایدات باید بعنوان مالیات وضع شود آنوقت برای اینکه بعضی از مالکین محل گذران نشان فقط املاك خالصه ایست که از دولت خریده اند و ضبط تمام عایدات امروز غیر ممکن است و ناچار باید دولت مراعاتی از آنها بکند و این مراعات هم باید بطوری باشد که اسباب ضرر دولت نباشد بنا بر این دو عشر از عایدات را بمالك میدهند که محل گذرانی داشته باشد و هفت عشر دیگر را دولت در مقابل اصل مطلب و اجرت المثل صدی شش ضبط میکند تا وقتی که برای صاحب ملك گشایش حاصل شود و قیمت ملك را بتواند بدهد یا اگر نتوانست بدهد در يك مدت زمانیکه باید ده دوازده سال زیاد تر نباشد تمام این مبلغ اصلاً و فرعا استهلاك میشود آنوقت هم دولت پول مفتی نداد. است و با اجرت المثل صدی شش دریافت کرده است و هم مالك دارای يك ملكی با مالیات اربابی شده است .

**رئیس -** مذاکرات کافی است ماده پنج قرائت میشود . ( بمضمون ذیل قرائت شد )  
ماده - در صورتیکه قیمت خرید تفاوت مالیات که مطابق مواد ۳ و ۴ تعیین میشود از ده هزار تومان تجاوز نماید وزارت مالیه ما زاد ده هزار تومان را باقسط مقتضی بداند با اجرت المثل صدی شش ادرسال دریافت خواهد نمود .

**حاج شیخ حبیب الله -** در صورتیکه قیمت خالصه ده هزار تومان زیادت را باشد و صاحب ملك هم نتواند از عهده بر آید ما زاد او را باقسط میگیرند خوب است در اینجا معین شود که در صورتی هم که عایدی ملك کمتر از ده هزار تومان باشد و صاحب ملك نتواند از عهده بر آید دولت وجه او را هم با اجرت المثل صدی شش مطالبه نماید تا وقتی که مثلاً مدت ده سال وجه دولترا بدهد که هم ملاحظه رعیت شده باشد و هم ملاحظه آبدی ملك زیرا اگر ملك دولت نباشد آباد میشود والا اگر این ملاحظه نشود آنشخص دیگر زحمت نخواهد کشید و بدولت ضرر خواهد رسید

**مخبر -** البته تصدیق خواهند فرمود که این اندازه مراعات بدولت خسارت وارد خواهد آورد  
**ارباب کیخسرو -** متأسفانه نظر بنده بر خلاف آقای حاج شیخ حبیب الله است و حتی در این ماده هم که اینجا نوشته شده نظر دارم اینجا نوشته شده است که اگر ده هزار تومان تجاوز بکنند ما زاد او را دولت باقسطیکه مقتضی میدانند با اجرت المثل صدی شش دریافت خواهد نمود بطور حتم نوشته شده است که دولت این قرارداد را باید بدهد دیگر قید نکرده است که در صورتیکه مالك از عهده بر نیاید اینطور خواهد شد این يك ترتیبی میشود که در واقع کسانی هم که قوه داشته باشند همین

تقاضا را بکنند و بملاوه در اینجا بنده يك ضرری برای دولت تصور میکنم و آن سرر این است که دولت امروز اقساطی بر قرار میکند و فقط مالیات آنرا میگیرد در اینحالت ممکن است مالك برای دولت بازی بیرون بیاورد و قیمت را نهد و اسباب زحمت برای دولت و مالك فراهم شود عقیده بنده این است از نازاد ده هزار تومان دولت نسبت بآن تفاوتیکه حاصل شده است باز مقررأ مالیات را بگیرد یعنی معادل ده هزار تومانرا از نه عشریکه خریده است کسر کند و به بیبده باقی بچقدر میشود و بهمان تناسب مالیات خودش را بگیرد و بد مالك کم کم و متدرجاً باقی را به پردازد تا وقتی که تمام را متصرف شود و اگر غیر از این باشد گمان میکنم دولت به عشر قانع شده و از باقی صرف نظر کرده است و بعد دچار زحمت خواهد شد يك پیشنهادهای هم در این باب کرده ام .

**مخبر -** در قسمت اول فرمایش آقای ارباب بنده موافقم مقصود کمیسیون هم همین طور بوده است و اگر تصریح هم بشود ضرر ندارد معلوم است این برای کسانی نیست که میتوانند تمام قیمت را تأدیبه کنند فقط در مواردیست که خریدار نتواند زیادت از ده هزار تومان بدهد حالا برای اینکه تا درجه عملی باشد که اگر حقیقه يك کسی امروز استطاعت دادن زیادت از ده هزار تومانرا نداشته باشد اینطور نوشته شده و این اشکالی را که آقای ارباب فرمودند ممکن است در کمیسیون رفع کرد ولی با قسمت ثانی فرمایشات ایشان بنده موافقت ندارم زیرا بالاخره تولید يك اختلافات و يك اشکالاتی خواهد نمود و اسباب زحمت فوق العاده دولت و مالکین خواهد شد مثلاً بنده میخواهم تفاوت مالیات خود را از دولت بخرم يك معامله میکنم ولی ممکن است بقدر تمام آن مبلغ پول نقد نداشته باشم آنوقت ده هزار تومان آنرا نقد بدهیم باقی دیگر را باقسطیکه دولت قرار میگذارد و صرفه دولت است میدهم دولت که پول خودش را هفت پیش من نمیگذارد اجرت المثل آنرا میگیرد معلوم است وقتی که بنده مدیون دولت شدم هر نوع اعتباری که دولت از سایر مدیونین خودش بخواهد البته از من هم باید بخواهد ضامن یا وثیقه هر چه دلش بخواهد از من خواهد خواست که اگر از طرف من بدمعامله کی شد بتواند بر حسب آن شرایطی که در بین است عمل کند این بنده با شق ثانی موافقت ندارم ولی با شق اول موافقم .

**رئیس -** پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو قرائت میشود . ( بمضمون ذیل قرائت شد )  
بنده پیشنهاد میکنم ماده ( ۵ ) قانون تبدیل مالیات این قسم نوشته شود در صورتیکه قیمت خرید تفاوت مالیات که مطابق مواد ۳ و ۴ تعیین میشود از ده هزار تومان تجاوز نماید و مالك از عهده پرداخت بر نیاید معادل آنچه از مازاد باقی ماند نسبت بهمان میزانیکه مالیات خریداری شده تا وقتیکه بدولت پرداخته نشده دولت بهمان تناسب مالیات از مالك دریافت خواهد نمود .

**ارباب کیخسرو -** در آن قسمت اول دیگر عرض نمیکنم بجهت اینکه آقای مخبر قبول کردند

در قست دوم هم عنوانی کردند که اگر همینطوریکه فرمودند آن عنوان را بیک قسمی در اینقانون بکنند بنده راقانع خواهد کرد یعنی يك شرطی بشود که وقتی که دولت اینکار را میکند در تحت يك ضمانت و يك ترتیبی باشد که ضرر بدولت وارد نشود تمام ترس بنده اینست که اگر يك ترتیبی ندهند چون مأمورین خودمانرا تا یکدرجه شناسه ایم آنوقت ممکن است مأمورین بوسیله همین قانون کاری بکنند که در مالیه دولت حیف و میلی بشود و از خزانه دولت کاسته شود از آنطرف هم آن تصور اینکه دولت کرده است بعمل نیاید اگر حقیقه همین طوریکه آقای مخبر فرمودند در اینقانون گنجانیده شود که دولت تحصیل ضمانت خواهد کرد ترتیبی دیگر خواهد داد که از این حیث تزلزلی نداشته باشیم بنده عرضی ندارم

**مخبر -** باین ترتیب در قسمت دوم بنده موافقت کامل دارم البته باید از برای دولت يك وسائلی اتخاذ شود که بالاخره ضرری بر او وارد نیاید و تصور میکنم اگر بعد از کلمه ( یا اجرت المثل صدی شش ) جمله ( یا تأمینات لازمه ) اضافه شود قبول میکنم و در کمیسیون اصلاح میشود .  
**رئیس -** کمیسیون ارجاع شود .  
**مخبر -** بله با تأمینات لازمه در آنجا اضافه می شود .  
**رئیس -** ارجاع می شود بکمیسیون - ماده ( ۶ ) خوانده می شود .  
( بقرار ذیل قرائت شد )

ماده ۶ - در صورتی که صاحبان املاك خالصه انتقالی بیکی از شقوق پیش بینی شده در اینقانون امر مالیات خالصه متصرفه خود را تسویه نمایند و از تأدیبه مثال دیوانی مذکور در ماده ( ۲ ) امتناع ورزند دولت آن ملك را ضبط خواهد نمود تا مالك بپرداخت مالیات خالصگی و یا بخرید تفاوت مالیات حاضر شود هر گاه بعد از مدت سه سال از تاریخ ضبط دولت مالك بیکی از دوشق رضای نشود آن ملك قطعاً در تحت تصرف دولت خواهد آمد .

**مخبر -** بنده همچو بنظرم آمد که آقا در ضمن این ماده ( تسویه نمایند ) خواندند ( تسویه نمایند ) صحیح است .  
( گفته شد تسویه نمایند خوانده شد )  
**حاج شیخ محمد حسن -** قانون تبدیل مالیات در حقیقت قانون معامله است و در معامله رضایت شرط است با این ترتیب این ماده بجهاتی منافات دارد مینویسد در صورتیکه صاحبان املاك خالصه انتقالی بیکی از شقوق پیش بینی شده در این قانون امر مالیات خالصه متصرفی خود را تسویه نمایند و از تأدیبه مثال دیوانی مذکور در ماده ۲ امتناع ورزند دولت آن ملك را ضبط خواهد نمود نیندازم چرا باید ضبط شود نهایت این است که مالك در مقام معامله بر نیاید و صورت اولی را پیدا میکند و مثال دیوانی را از او خواهند گرفت حالا برای اینکه معامله ثانوی را اختیار نکرده نمی توانیم این حکم را بکنیم زیرا اختیار با خود اوست و نمیشود اورا مجبور نمود که حتماً بیا معامله کن و الا اگر غیر از این باشد عنوان معامله از دست میرود پس از آنکه اقدام در معامله نکرد میباید

شق اول که ملك خالصه در تصرف و مثال دیوانی را باید بدهد حالا در صورتیکه نخواهد معامله کند ضبط یعنی چه این خیانت و خیانتی نیست مسئله حقوق است دولتی که قادر است ضبط کند همانطور هم قادر است حقوق خودش را بگیرد ضبط ملك وجهی ندارد خصوصاً وقتی که ضبط کرد بعد از دو سال یا سه سال قطعاً ضبط شود و بتصرف مالکش نهد این مسئله بی اصل تر از اولی است ما چیزی را که اساساً ملاحظه کردیم و ساکت شدیم همین مسئله معامله است که رضایت مالکین خالصجات در آن ملحوظ و مأخوذ است اگر این را ملاحظه کنیم دیگر منافات دارد که از برای یکطرف قیدی قرار بدهیم که ( در صورتیکه امتناع ورزد دولت آن ملك را ضبط نماید زیرا که مالك در امتناع مختار است و يك امر حتمی در گردن او نیست پس فقط میباید همان شق اول و در آن شق اول گاهی میشود که فلان شخص از دادن مالیات دولت امتناع دارد در اینحال میروند و قهر آزا او میگیرند اینجا جای مجازات نیست و يك جنایتی شده بلکه حقوقت ما بین دولت و ملت و البته در صورت امتناع دولتی که قادر است ضبط کند قادر هم هست حقوق خود را بگیرد .

**مخبر -** البته بنده نباید ( اذا انتفع الشرایط انتفع المشروط ) را با قیاد آوری کنم بجهت اینکه دولت وقتی که املاك خودش را می فروشد بیکی از شرایط آن تأدیبه مالیاتست پس آنکسیکه باین شروط خریده است وقتی بیکی از شقوق آن عمل نکند فی الحقیقه می توان گفت خود آن معامله باطل می شود علی الخصوص در این قبیل معاملات بنده تصور میکنم این خیالات و مقیاسها بیکه آقا در اینجا در نظر دارند بالاخره وقتی عملاً رفت فرمائید هیچ چاره غیر از این نیست چون بیکی از مقاصد دولت در پیشنهاد کردن این لایحه فراهم کردن وسائل تسهیل تأدیبه مالیاتست و يك شقوقی پیش بینی کرده اند اولاً چنانچه عرض کردم اگر این لایحه و این قانون اجباری بود شاید از نقطه نظر عدالت این ایرادها بیک قدری وارد بود ولی این لایحه اجباری نیست اختیاری است و اگر مالکین خالصه کسانی هستند که هیچ نوع شکایتی از زیاری یا کمی مالیات ندارند این قانون شامل حال آنها نخواهد بود و کافی السابق میتواند مثال دیوانی خودشان را بپردازند و هیچکس بآنها کار ندارد این قانون فقط شامل حال کسانی میشود که يك جهتی از جهات میل داشته باشند و حاضر شوند امر مالیاتی خودشانرا اصلاح کنند آنوقت چه باید کرد اولاً دولت میگوید بیایید پول بدهید و این ملك را بخرید فرض کنید يك ملكی است که فلان مبلغ با فلان مبلغ مقدار عایدی دارد و میخواهند از من بخرند من میگویم این ملك را يك میزان معتدلی که معین شده پول بدهید و بخرید برای کسانی هم که باید مبلغ کلی بدهند و پول ندارند دولت يك راه حلی پیدا کرده است و گفته است فقط ده هزار تومان بدهند و باقی را باقسط بپردازند و برای املاکی هم که عایداتش زیادت از مثال دیوانی نیست بيك حکم و يك شکل مخصوص دیگری قائل شده ایم یعنی آن ملك را میبزی میکنند آنوقت عوض اینکه تفاوت مثال دیوانی را بپردازد تفاوت عایدات را میپردازد و برای اشخاصی هم که داخل در این شق هستند و پول

ندارند دولت باز مراعات حال آنها را میکند و در مقابل یولی که باید بدهند خود محصول را ضبط میکند مثل بانک میباید که يك مبلغ کلی قرض میدهد و متدرجاً آن پول را اصلاً و فرعاً پس میگیرد حالا اگر يك کسی پیدا شد که بهیچیک از این شقوق عمل نکرد میفرمائید چه کنند - میفرمائید خود صاحب ملك را توقیف کنند - اینطور که نمیشود دولت در موقع اخذ مالیات اصلاً افراد را نمیشناسد دولت همیشه با آن ملك و با آن زمین و آب و خاک طرفست و الا اگر غیر از این باشد کار فوق العاده مشکل میشود بجهت اینکه فرضاً يك مالك ملكی در امریکا و بنکی دنیا رفته است آن وقت اگر این صورتیکه امتناع ورزد دولت آن ملك را ضبط نماید زیرا که مالك در امتناع مختار است و يك امر حتمی در گردن او نیست پس فقط میباید همان شق اول و در آن شق اول گاهی میشود که فلان شخص از دادن مالیات دولت امتناع دارد در اینحال میروند و قهر آزا او میگیرند اینجا جای مجازات نیست و يك جنایتی شده بلکه حقوقت ما بین دولت و ملت و البته در صورت امتناع دولتی که قادر است ضبط کند قادر هم هست حقوق خود را بگیرد .

**ارباب کیخسرو -** اینجا در واقع بقسمی نوشته شده است دولت آن ملك را ضبط خواهد کرد و سه سال مهلت میدهد که آن شخص بیاید امرش را تسویه بکند پس نمی شود گفت این ملك ضبط شده است معنی آن این است که عایدی آن ملك توقیف شده است پس بنده تصور میکنم برای اینکه اصل مقصود دولت بعمل آمده باشد و ضمناً هم يك خسارتی متوجه صاحب ملك ملك نشود چون ما میدانیم در بعضی جاها همین که يك حکمی بدست مأمورین ما بیفتد چه بسر مردم میآید بملاوه اینجا هیچ قید نکرده است که صاحب یکنظری در عایدات آن داشته باشد فقط میگوید دولت ضبط میکند دیگر نمیگوید چه نظری در عایدات آن دارد یا صاحب ملك چه نظری باید داشته باشد فرضاً بعد از سه سال صاحب ملك حاضر شد این امر را تسویه کند حساب آنرا از کجا میداند پس باید در آن عایدات نظر داشته باشد که در وقت تسویه حساب او را بداند بنا بر این عقیده بنده این است که عوض اینکه نوشته شده است ( دولت آن ملك را ضبط خواهد کرد ) نوشته شود ( دولت عایدات سه ساله را در تحت نظر خود صاحب ملك توقیف خواهد کرد که اگر او حاضر شد در ظرف این سه سال بهمین شرطیکه نوشته شده است کار



